العلماء مصابیح الارض، و خلفاء الانبیاء، و ورثتی و ورثة الانبیاء.

علما چراغ‌های زمین‌اند و جانشینان پیامبران و وارثان من و پیامبران هستند.

مراجع

آیت‌الله نوری همدانی مطرح کرد

مسجد و امام شایسته لازمه تمدن اسلامی

آیت‌الله نوری همدانی با تأکید بر نقش مسجد، به نقش محوری این مکان مقدس در تمدن‌سازی اشاره کرد و تجلی این محوریت را با حضور امامان شایسته در مساجد ممکن دانست.

به گزارش خبرنگار مهر، آیت‌الله حسین نوری همدانی با صدور پیامی خطاب به مدیران کل و معاونان فرهنگی ادارات تبلیغات اسلامی و راهیاران شهرستانی بنیاد هدایت حاضر در نشست ملی «کوثر هدایت(س)» بر نقش محوری مسجد در ایجاد تمدن اسلامی تأکید کرد. در بخشی از این پیام آمده است:

در حال حاضر و عصر معاصر، در شکل‌گیری ساختارهای نوین اجتماعی، دین همچنان حضور مؤثر و پررنگ دارد. یکی از این نمادهای اثرگذار مسجد است. مسجد از آغاز اسلام به عنوان مهم‌ترین مرکز برای تمدن‌سازی محسوب می‌شود. امروز مسجد همان نقش و اهمیت را می‌تواند داشته باشد؛ همان‌طور که در گذشته محل گردهمایی‌ها و تجمعات دینی و سیاسی بود؛ امروز نیز باید با برجستگی بیشتری نمود پیدا کند. مسجد هیچ‌گاه و در هیچ زمانی از تاریخ فقط به عنوان یک مکان مقدس برای اعمال عبادی و فردی محسوب نشده، بلکه مسجد تجلی یک فرهنگ و تفکر اسلامی بوده است. از ظاهر مسجد و بهره‌مندی از معماری اسلامی گرفته تا درون آن اجتماع عبادی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و قضایی، همه و همه از موارد کاربری این مکان مقدس است.

در روایتی از امیرالمؤمنین(ع) آمده است: «هر کس پیوسته یا در وقت هر نماز به‌طرف مساجد روان باشد یکی از این هشت چیز را بهره خواهد برد: برادری که در راه خدا مورد استفاده او باشد یا طرفه دانشی که از زبده‌های علم باشد یا نشانه محکمی که در راه حق، او را استوار سازد یا رحمتی از طرف حق که در انتظار او بوده یا کلمه و سخنی که او را از بدی باز دارد یا شنیدن جمله‌ای که او را به‌راه خیر و نجات راهنمایی کند یا گناهی را از ترس خدا ترک نماید و یا آنکه از سر شرم و حیا گناهی را ترک کند».

بر این اساس، نقش مساجد در ایجاد تمدن اسلامی یک نقش محوری است و این محوریت، زمانی تجلی پیدا می‌کند که دارای یک امام شایسته باشد. در واقع تمدن اسلام بر پایه معارف دینی و بهره‌مندی از مباحث فقهی و اصولی و دستاورد حدیثی و بیان اهل بیت(ع) است که شکل می‌گیرد و برای ترغیب مردم به این موضوع با بیان شایسته و متکی بر عقلانیت امام یک مسجد، محل بسیار مهم و اثرگذار است.

در کشور ما نقش اثرگذار مسجد و یک امام شایسته کاملاً در تجربه تاریخی ما مشخص است؛ یکی از عوامل موفقیت پیروزی انقلاب اسلامی محور قرار دادن مساجد بود و هر مسجدی که امام بصیر و عالم عامل داشت محور بود و محل تربیت افراد آگاه و مطلع. پس از پیروزی انقلاب در دوران دفاع مقدس نیز نقش مسجد بی‌بدیل بود و همچنین در تربیت نیروهای انقلابی برای پذیرش مسئولیت‌های نظام اسلامی مؤثر بوده است. لازم است نقش اولیه مساجد در دوران ابتدای اسلام و همچنین زمان انقلاب و دوران دفاع مقدس زنده شود و مساجد با محوریت امام جماعت در رسیدگی به امور فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی مردم فعال شوند.

حکایت‌ها و کرامت‌ها

شیخ مرتضی انصاری

❮ تا «و لا الضالین» را در گوش من خوانده‌اند

یکی از شاگردان شیخ نقل می‌کند: «وقتی مقدمات سطوح را به پایان رساندم، برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف و مجلس درس شیخ رفتم، ولی مطالب شیخ را هیچ نمی‌فهمیدم. خیلی از این حالت ناراحت بودم و هر چه تلاش می‌کردم، سودی نمی‌بخشید. سرانجام به حضرت امیر(ع) متوسل شدم. شبی در خواب، خدمت آن حضرت رسیدم و حضرت «بسم الله الرحمن الرحیم» را در گوش من قرائت فرمود. صبح فردا چون در مجلس درس حاضر شدم درس را خوب فهمیدم. هر روز نزدیک‌تر رفتم تا جایی که در آن مجلس بحث می‌کردم. روزی در درس شیخ بسیار اشکال کردم. پس از پایان درس، خدمت ایشان رسیدم؛ شیخ آهسته در گوشم فرمود: آن کسی که «بسم‌الله» در گوش تو خواند، تا «و لا الضالین» در گوش من خوانده است. من از این قضیه بسیار تعجب کردم؛ زیرا تا آن روز این مطلب را به کسی نگفته بودم».

شیخ محمدحسین کاظمی می‌گوید: «در نخستین روزهای ریاست عامه شیخ، پس از نماز عشا داخل حرم مطهر می‌شدم و پشت به در حرم و رو به ضریح مطهر، به دیوار تکیه می‌کردم و زیارت می‌خواندم. شبی شیخ مرا در حرم دید. آهسته کیسه پولی در دستم نهاد و فرمود: نصف مبلغ برای خودت باشد و بقیه را میان شاگردانت تقسیم کن. وقتی به خانه بازگشتم و پول را شمردم، دیدم همه آن با قرضی که بر ذمّه‌ام بود، برابر است. با خود گفتم تمام آن را به طلبکار خود می‌دهم و کم‌کم نصف آن را به شاگردان می‌رسانم. این فکر را به کسی اظهار نکردم. شب دیگر که به حرم مطهر مشرف شدم، شیخ از نزدیک من گذشت و آهسته در گوشم فرمود: شما سهم شاگردان را از این پول بدهید، من باز به خود شما پول می‌دهم. از این پیشامد دانستم شیخ از ضمیر من آگاه شده است. از خیال خود برگشتم و مقام شیخ را بهتر شناختم».

■ احتیاط در فتوا

شیخ در پارسایی به‌گونه‌ای پیراسته بود که کمتر فتوا می‌داد و تا می‌توانست از زیر بار آن شانه خالی می‌کرد. روزی گروهی از شاگردان با اعتراض به شیخ انصاری گفتند: «هیچ کس در فتوا دادن مانند شما نبوده است؛ زیرا شما کمتر فتوا می‌دهید». فرمود: «اگر مرحوم کاشف الغطا را دیده بودید، مرا در فتوا دادن بی‌باک و با جرئت می‌شمردید. حتی خود قسم یاد کرد زخم خنجر بر من، از استفتا کردن از من درباره حکمی که ضروری مذهب نباشد، گواراتر است».

منبع: «زندگی و شخصیت شیخ انصاری»

نیم نگاه

نویسنده کتاب «الهیات سایبر» در برنامه سوره پاسخ داد

آیا دینداری در فضای سایبر امکان‌پذیر است؟

حجت‌الاسلام قائمی‌نیا، دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه در بیست و یکمین برنامه سوره در پاسخ به پرسش مجری و در توضیح مدعای خود در کتاب «الهیات سایبر» مبنی بر اینکه انسان مجازی در ایران به بالاترین صورت خود ظهور کرده است، گفت: نظریه‌ای که من در کتاب مطرح کردم، نظریه «انسان مجازی و ایمان سیال» است و در سال ۱۳۹۵ به ذهن من خطور کرد. آن زمان هنوز کرونا نیامده بود ولی من در سفرهای خارجی که می‌رفتم می‌دیدم در کشورهای اروپایی آن‌قدری که ما از شبکه‌های مجازی استفاده می‌کنیم استفاده نمی‌کنند و آن‌قدری که برای ما جذابیت دارد برای آن‌ها ندارد که این موضوع نیاز به تحلیل جامعه‌شناسی دارد. اما کرونا به عنوان یک کاتالیزور عمل کرده و این امر را در جهان تسهیل نمود و امروز انسان مجازی در کل جهان حاکم شده است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در پاسخ به پرسشی در خصوص امکان دینداری در چنین فضایی گفت: دینداری یا متافیزیکی است یا وجودی. دینداری متافیزیکی دینداری‌ای است که انسان در متن زندگی با خدا دارد اما گاهی پرسش‌های فلسفی و متافیزیکی درباره خدا دارد. دینداری وجودی دینداری است که ارتباط نزدیکی با خدا برقرار می‌شود به‌خصوص در مناسک دینی. در فضای سایبر اطلاعات جای معرفت نشسته بنابراین طبیعی است دینداری متافیزیکی و فلسفی در این فضا سست می‌شود چون ساختار و ماهیت این فضا با متافیزیک‌های به بلوغ رسیده همخوان نیست و نمی‌شود براساس یک فلسفه خاص، باورهای دینی را در فضای سایبر دسته‌بندی کنیم چون آنجا تکثر اطلاعات است. بنابراین رفته رفته صورت‌های رنگ پریده‌تری از دینداری پیدا خواهد شد و ما با نوعی ایمان‌گرایی روبه‌رو هستیم، یعنی اگر کسی در این فضا دیندار است در واقع نوعی گرایش به ایمان دارد. اگر انسان تعلق وجودی به فضای مجازی پیدا کند و در آن فضا غرق شود و همه فضایش، فضای سایبر شود روابط وجودی که با خدا یا امر قدسی دارد را از دست می‌دهد به همین خاطر دینداری وجودی هم جایگاهی در فضای سایبر ندارد.

چند روایت از زندگی شیخ مرتضی انصاری

ملقب به «خاتم‌الفقها و المجتهدین» به مناسبت سالروز ارتحال او

شیخ اعظم

پارسا نیکوکار | نه فقط بیشتر مجتهدان و عالمان معروف شیعه در میانه قرن سیزدهم تا اوایل قرن چهاردهم از مکتب علمی او برخاسته‌اند بلکه با شالوده‌ای که او در فضای علمی پی‌ریزی کرد می‌توان اذعان نمود هر عالِمی که پس از او در جهان تشیع پرورش می‌یابد، ریزه‌خوار فضل و دانش او است. در این دو قرن یعنی قرن سیزدهم و چهاردهم که قرون طلایی در اندیشه فقهی سیاسی تشیع به شمار می‌آیند، عمدتاً کسانی منشأ خیزش و تحرک سیاسی اجتماعی بوده‌اند که از شاگردان مستقیم یا با واسطه او بوده‌اند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی رهبر نهضت بیداری فرهنگی اسلام در جهان کنونی، میرزای شیرازی صاحب فتوا و رهبر نهضت تنباکو و آخوند خراسانی از رهبران مشروطیت در ایران که بر واجب بودن مشروطیت، برکناری محمدعلی شاه قاجار از قدرت و ضرورت اتحاد و هماهنگی میان مسلمانان حکم قطعی صادر کرد، از همین صنف شاگردان پرآوازه هستند.

او مرتضی انصاری دزفولی معروف به شیخ انصاری و ملقب به «شیخ اعظم» و «خاتم‌الفقها و المجتهدین» و از نسل جابر بن عبدالله انصاری، صحابی معروف پیامبر(ص) است. شیخ انصاری با کتاب‌هایی چون «رسائل» و «مکاسب» که نوشت و نوآوری که به خرج داد، علم اصول و به دنبال آن فقه را وارد مرحله جدیدی کرد. به مناسبت درگذشت او در ۱۸ جمادی‌الثانی (۱۲۸۱ ق)، روایت‌هایی از زندگی شیخ را به روایت کتاب «دریای فقاهت» مرور می‌کنیم.

■ تعبیر یک رویای صادقه

شیخ مرتضی انصاری، بزرگ‌ترین فرزند شیخ محمدامین بود که در هجدهمین روز ماه ذی‌الحجه روز عید غدیر سال ۱۲۱۴ق. در شمال غربی بقعه سبز قبای شهر دزفول، از سلاله یکی از اخلاف جابر بن عبدالله انصاری، صحابی نامدار پیامبر اسلام(ص) به دنیا آمد. به مناسبت تولد در روز ولادت حضرت علی(ع)، نام مرتضی انصاری برای او انتخاب شد. شب پیش از تولدش، مادرش در خواب می‌بیند حضرت صادق(ع)، قرآنی مُذَهَّب به وی می‌دهد که خوابش را به «فرزند جلیل‌القدر» تعبیر می‌نمایند. مسلماً این رویایی صادقه بود که سبب شد مادرش وی را هیچ‌گاه بدون وضو شیر ندهد.

شیخ آموختن را با خواندن قرآن کریم آغاز کرد و پس از گذراندن مقدمات از صرف و نحو و غیره در محضر عموی خویش، شیخ حسین انصاری، به فراگیری فقه و اصول نزد استادان دیگر پرداخت. در سال ۱۲۳۲ق. برای ادامه تحصیلات به همراه پدرش به عراق مهاجرت کرد. در سال چهارم، عده‌ای از مردم دزفول که به زیارت کربلا آمده بودند، به وی گفتند: پدرت شوق دیدار تو را دارد. شیخ به دزفول بازگشت اما نتوانست در دزفول بماند و دوباره به کربلا بازگشت. پس از گذشت یک سال عازم نجف شد. در سال ۱۲۴۰ق. پس از بازگشت به زادگاهش، رهسپار زیارت بارگاه ثامن‌الحجج(ع) شد و بر سر راهش به مشهد از حوزه‌های علمیه شهرهای بروجرد، اصفهان و کاشان دیدن کرد. وی مدت چهار سال در کاشان توقف نمود و در خدمت ملا احمد نراقی به تکمیل معلومات خود پرداخت. پس از گرفتن اجازه روایت و اجتهاد از نراقی رهسپار مشهد شد و پس از پنج ماه توقف در این شهر به تهران و از آنجا به زادگاهش دزفول مراجعت نمود. شیخ در دزفول بساط تدریس گسترد و در رأس حوزه علمیه این شهر قرار گرفت. در سال ۱۲۴۹ق. برای همیشه به عتبات رفت و مدتی را در نجف در مجلس درس شیخ علی فرزند شیخ جعفر کاشف‌الغطاء به مدت پنج سال حاضر و به درجه اجتهاد نائل شد. پس از فوت صاحب جواهر در سال ۱۲۶۶ق. ریاست مطلق دینی به شیخ منتقل و او مرجع شیعیان شد.

■ عبادت‌های شیخ اعظم از بلوغ تا آخر عمر

عبادت‌های شیخ از سن بلوغ تا آخر عمر، گذشته از واجبات و نافله‌ها و دعاها و تعقیبات، به قرار زیر بوده است: قرائت یک جزء کلام‌الله؛ نماز حضرت جعفر طیار و زیارت جامعه و عاشورا در هر روز.

■ ساخت راه زیارتی

پیش از ریاست شیخ، زائران عتبات از دو راه به زیارت می‌رفتند: اول از راه هور و رودخانه فرات که گاهی قایق آنان غرق می‌شد و دوم از راه صحرا که بیشتر وقت‌ها، اعراب بادیه‌نشین، آنان را غارت می‌کردند. شیخ انصاری، وکیل خود، محمد صالح کُبَّه را نزد حکومت بغداد فرستاد و پیغام داد من پول ساخت کاروانسرایی را در میان راه می‌دهم. تو نیز یک قبیله عرب را در اطراف آن کاروانسرا زمین بده تا ساکن شوند و به آنان فرمان ده برای حفظ جان مسافران از آسیب غارتگران از آغاز تا پایان راه، کاروان زائران را همراهی کنند. والی بغداد که از سوی دولت عثمانی، حکومت عراق را در دست داشت، امر شیخ را پذیرفت و این کار مفید با کمک شیخ، عملی شد.

■ ساخت مسجد شیخ

مسجد شیخ در انتهای بازار نجف اشرف معروف است. هزینه زمین و ساخت این مسجد از سرمایه خود شیخ است. یکی از ثروتمندان ایران، هنگام رفتن به حج، پولی به شیخ بخشید تا خانه‌ای برای خود تهیه کند، ولی شیخ تمام مبلغ را در خرید زمین مسجد و ساختمان آن هزینه کرد. وقتی حاجی از سفر حج بازگشت، شیخ او را به مسجد برد و فرمود: «این است منزل من که شما سبب آن شدی». این مسجد همیشه محل تدریس عالمان بوده است، به‌گونه‌ای که در روز، چندین جلسه درس در آن تشکیل می‌شود. این مسجد امروزه به مسجد ترک‌ها معروف است.

■ احترام به پدر و مادر

شیخ عادت داشت در بازگشت از جلسه تدریس، نخست نزد مادرش می‌رفت و برای بدست آوردن دل او، با وی سخن می‌گفت. همچنین از حکایت‌های مردم پیشین و زندگی آنان می‌پرسید و مزاح می‌کرد تا مادر را بخندانند. سپس به اتاق عبادت و مطالعه می‌رفت. مادر شیخ از زنان عابد بود، به‌گونه‌ای که نافله‌های شب را تا هنگام مرگ ترک نکرد. شیخ سحرها نخست مقدمات نماز شب مادر را انجام می‌داد، حتی آب وضویش را در صورت نیاز، گرم می‌کرد، سپس خود به نماز می‌ایستاد.

■ نمازهایش را من می‌خوانم

سیدعلی دزفولی از یکی از خویشاوندانش در خصوص احترام شیخ به سادات نقل کرده است: «در نجف اشرف به سبب فقری که داشتم، خدمت شیخ رسیدم و او را از حالم آگاه ساختم. شیخ فرمود: در حال حاضر از وجوه شرعی چیزی نزد من نیست، ولی نزد فلانی برو و بگو دو سال نماز استیجاری به تو بدهد. پول آن‌ها را برای خود بردار؛ نمازها را من می‌خوانم».

■ وفات شیخ اعظم

شیخ اعظم انصاری در شب ۱۸ جمادی‌الثانی سال ۱۲۸۱ق. پس از ۶۷ سال زندگی در نجف اشرف درگذشت. دارایی شیخ هنگام وفات، معادل ۱۷ تومان پول ایرانی بود که همان مقدار هم بدهی داشت، به‌گونه‌ای که بازماندگانش توانایی برگزاری مراسم عزا را نداشتند و یکی از اشراف وقت، آن را به عهده گرفت. شیخ انصاری از حقوق شرعی استفاده نمی‌کرد و حتی یک پول از حقوق فقیران را تصرف نکرد. پیکر شیخ را در کنار رودخانه نجف غسل دادند و حاج سیدعلی شوشتری که وصی شیخ نیز بود، بر جنازه‌اش نماز گزارد. پیکر شیخ انصاری در صحن مطهر امام علی(ع) به خاک سپرده شد.

دیدگاه

آیت‌الله اعرافی در دوازدهمین اجلاسیه جامعه مدرسین تأکید کرد

خروجی حوزه ناظر به نیازهای نظام باشد

آیت‌الله علیرضا اعرافی در دوازدهمین اجلاسیه جامعه مدرسین و علمای بلاد، تولید اندیشه و دانش و نظریه‌پردازی را یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های حوزه در قبال انقلاب اسلامی دانست و گفت: انقلاب اسلامی با تولیدات حوزه شکل گرفت و امروز هم در تداوم آن، نیاز به اندیشه و تولید فکری دارد. ما به عنوان حوزه، مسئولیت سنگین داریم، رسالت شورای عالی و مدیریت حوزه‌ها بسیار سنگین است.

وی با تأکید بر ورود عالمانه به مسائل، نظام‌سازی و حضور اندیشه دینی در ساحت‌های تقنین را نیازمند برنامه‌ریزی و البته مأموریت حوزه دانست و گفت: با هدایت‌های رهبر معظم انقلاب، مراجع تقلید و شورای عالی در این حوزه کم و بیش اقداماتی انجام شده است.

آیت‌الله اعرافی اضافه کرد: حوزه نمی‌تواند به کادرسازی برای نظام بی‌توجه باشد و چشم و گوش بر نیازها ببندد، در طرح آمایش حوزه‌های علمیه بیش از ۷۰ عنوان کارویژه برای حوزه شناسایی شده، برای هر کدام نیز نیازمند تربیت نیرو و کادر هستیم.

مدیر حوزه‌های علمیه، خروجی هدفمند حوزه را ناظر به نیازهای نظام دانست و با بیان اینکه در این زمینه کارهای خوبی انجام شده، گفت: در حوزه دو خط را به موازات هم باید دنبال کنیم، نخست، خروجی هدفمند برای پاسخگویی به ساحت‌های مختلف نیاز حاکمیت و دوم صیانت و حمایت از استعدادهای برتر و ممتازان حوزه که در این زمینه با کمک نهادهای مختلف حوزوی طرح‌هایی آغاز شده است.

آیت‌الله اعرافی، اقدامات انجام شده در راستای تحقق مأموریت‌های حوزه را ناکافی خواند و عنوان کرد: کارویژه دیگر حوزه در قبال انقلاب اسلامی تولید گفتمان و جهاد تبیین است؛ ما نیازمند آن هستیم که اتصال ما با طبقات مختلف برای تبیین اندیشه انقلاب و نشان دادن راه و روش اسلام وجود داشته باشد. در این زمینه نمایندگان ولی‌فقیه، علمای بلاد و ائمه جمعه این رسالت را داشته‌اند.

وی نسبت حوزه با انقلاب اسلامی را حمایت و نصح خیرخواهانه دانست و داشتن مواضع روشن و حضور در عرصه‌های سیاسی متناسب با جایگاه حوزه را مأموریت دیگر حوزه‌های علمیه و روحانیت ذکر کرد.

عالم ینتفع بعلمه، افضل من سبعین الف عابد.

دانشمندی که از علمش بهره ببرند، برتر از ۷۰هزار عابد است.

[illegible]